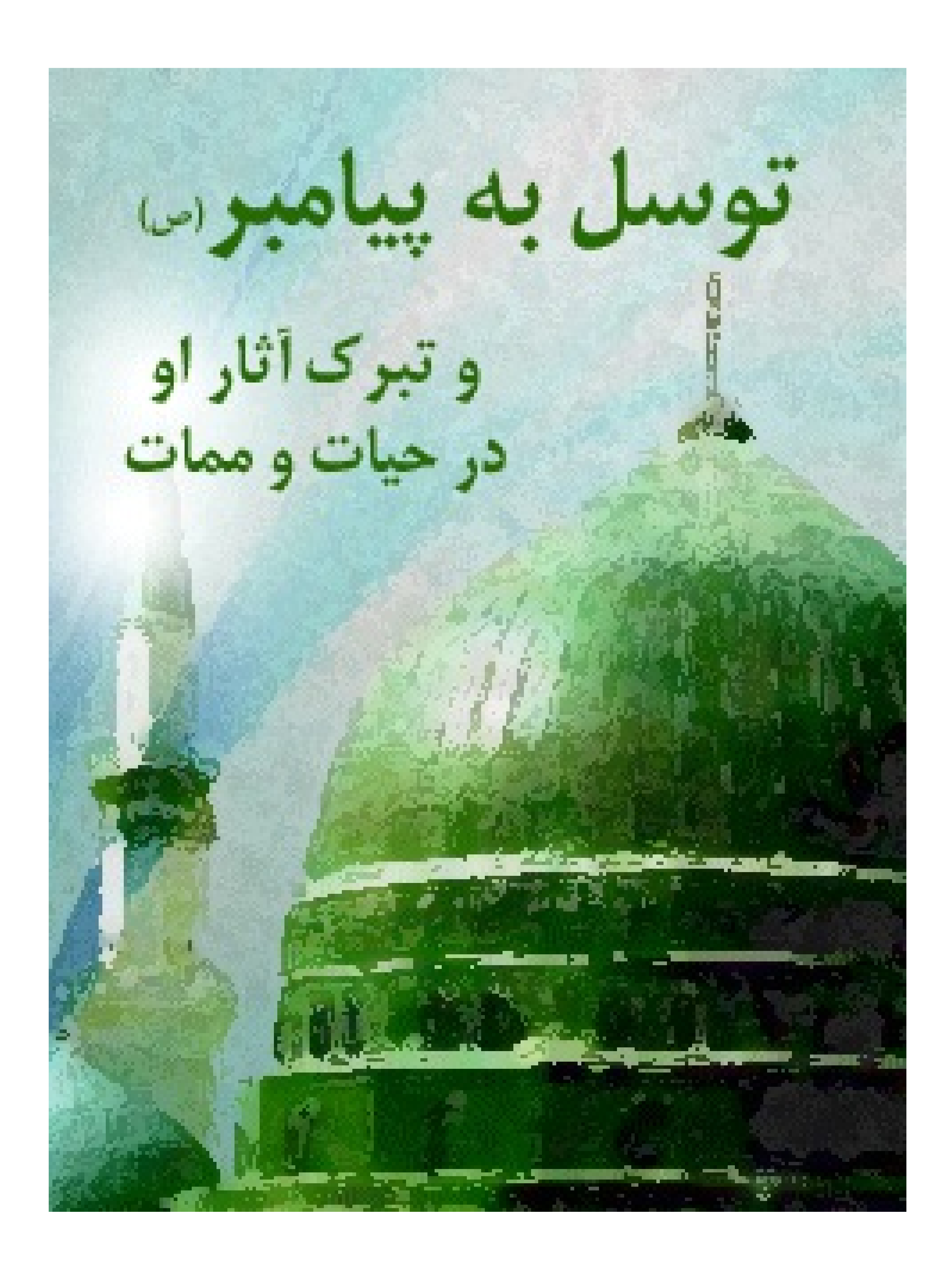

توسل به پیامبر (ص)
و تبرک آثار او
در حیات و ممات


بسم الله الرحمن الرحيم

توسل به پیامبر و تبرک به آثار او در حیات و ممات

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

توسل به پیامبر و تبرک به آثار او در حیات و ممات

مشخصات کتاب

نویسنده : مجله حوزه

ناشر : مجله حوزه

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیمو اذ قال عیسی ابن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقا لما بین یدی من التوراه و مبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمدو (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما هستم، تصدیق کننده کتاب پیش از خود، تورات و بشارت دهنده به فرستاده ای که بعد از من می آید و نامش احمد است. صف / ۶ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماخدا و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند. ای اهل ایمان، بر او درود فرستید و سلام گویید و تسلیم باشید. احزاب / ۵۶

توسل به پیامبر و تبرک به آثار او در حیات و ممات

اشاره

برخی از مسلمانان در بحث از صفات انبیاء علیهم السلام گویند:تبرک جستن به آثار انبیاء علیهم السلام و عبادتگاه گرفتن محل قبر ایشان شرک است. مجلس بزرگداشت تولد ایشان و تولد اولیاء معصیت و بدعت حرام است. و در یک کلام، توسل به خدا به وسیله غیر خدا، در حد شرک است. و وسیله قرار دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از وفات آن حضرت، مخالف شرع اسلام است.مخالفان این گروه در پاسخ چنین استدلال می کنند که:

تبرک جستن به آثار پیامبر

در همه کتب حدیثی با نقل متواتر آمده است که: صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیات ایشان با مباشرت و خواسته خود آن حضرت به آثار او تبرک می جستند. چنان که پس از وفات ایشان نیز، این روش را ادامه دادند. برخی از دلایل ایشان چنین است:تبرک جستن به آب دهان پیامبر صلی الله علیه و آلهدر صحیح بخاری [۱] از سهیل بن سعد روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر فرمود: فردا این پرچم را به دست کسی خواهم داد که خداوند خیبر را به دست او می گشاید، او دوستدار خدا و رسول خداست و خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله دوستدار اویند. راوی گوید: مردم آن شب را به سختی سپری کردند تا بدانند پرچم به دست کدامین آنها داده خواهد شد. بامدادان همگی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و هر یک امید آن داشت که پرچم به او داده شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی کجاست؟ گفته شد: یا رسول خدا صلی الله علیه و آله او از درد چشمانش می نالد. پیامبر به دنبال او فرستاد تا حاضر شد، و دو چشم او را با آب دهان شفا بخشید، بگونه ای که گویا دردی وجود نداشته است... تا آخر حدیث. [۲] .این روایت در صحیح مسلم از قول سلمه بن اکوع چنین است:گوید: نزد علی آمدم و او را که دچار درد چشم بود با خود می کشیدم تا نزد رسول خدا خدایش آوردم. آن حضرت با آب دهان چشمانش را شفا بخشید و پرچم را به دست او داد. [۳] .تبرک جستن به وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله:در صحیح

بخاری از انس بن مالک روایت کند که گفت:وقت نماز عصر فرا رسید و مردم برای وضو به جستجوی آب پرداختند و آن را نیافتند. پیامبر صلی الله علیه و آله با ظرف وضو سررسید و دست خود را در آن نهاد و به مردم فرمود وضو بگیرند. ناگهان دیدم آب از سر انگشتان آن حضرت همچون چشمه می جوشید و مردم تا آخرین نفر از آن وضو گرفتند. [۴] .و در روایت دیگری از جابر بن عبدالله گوید:من با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که وقت نماز عصر فرا رسید و ما جز اندکی آب نداشتیم. آن را در ظرفی ریختند و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند. ایشان دست خود را در آن فرو بردند و انگشتان خود را باز کردند و فرمودند: وضو گیرندگان بشتابند که خداوند برکت افزاید. ناگهان دیدم آب از میان انگشتان آن حضرت می جوشید تا آنگاه که مردم وضو گرفتند و نوشیدند، و این معجزه چنان در من اثر کرد که دیگر دچار تردید نگشتم و دانستم که این عین برکت است. به جابر گفتند: شما در آن روز چند نفر بودید؟ گفت: یک هزار و چهارصد نفر! و در روایت دیگری، پانصد نفر. [۵] .تبرک جستن به موی پیامبر صلی الله علیه و آله:مسلم در صحیح خود روایت می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله به منی آمد و پس از رمی جمرات و قربانی کردن، سر خود را تراشید و آن را به مردمان داد.و در روایت دیگری گوید: آن حضرت سرتراش را فرا خواند و پس از تراشیدن موها، آنها را به اباطلحه داد. روای گوید: او نیز آنها را میان مردم تقسیم کرد. [۶] .و نیز از انس بن مالک روایت کند که گفت:رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که سر می تراشید و صحابه آن حضرت دور او را گرفته بودند تا هر مویی که فروافتد در دست یکی از آنان قرار گیرد. [۷] .و در کتاب اسد الغابه در شرح حال خالد بن ولید گوید:خالد بن ولید که در نبرد با ایرانیان و رومیان نقش ویژه و برجسته ای داشت به هنگام فتح دمشق در شب کلاه ی که با آن می جنگید، تار مویی از رسول خدا صلی الله علیه و آله از رسول خدا صلی الله علیه و آله را قرار داده بود که به برکت آن فتح و ظفر می جست و همیشه پیروز بود.همچنین در شرح حال او در اصابه و مستدرک حاکم گویند:خالد بن ولید در نبرد یرموک شب کلاه خویش را گم کرد و دستور داد آن را بجویند. ابتدا آن را نیافتند، ولی دوباره جستجو کردند و آن را یافتند و دیدند شب کلاهی کهنه و مندرس است. خالد گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سالی عمره به جای آورد و سر تراشید. مردمان به جمع آوری موهای آن حضرت پرداختند و من در گرفتند موی پیشانی بر آنان سبقت گرفتم و آن را در این شب کلاه نهادم و اکنون در هیچ نبردی حاضر نمی شوم که این شب کلاه با من باشد مگر آنکه پیروزی نصیب من می گردد. [۸] .و در صحیح بخاری روایت کند که: تارهای از موی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ام سلمه زوجه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که هرگاه کسی را چشم زخمی می رسید ظرف آبی خدمت ایشان می فرستاد تا آن موها را در آن فرو کند و آسیب دیده را شفا بخشد. [۹] .عبیده گوید: اگر یک تار موی پیامبر نزد من باشد از همه دنیا و هر چه در آن است نزد من محبوب تر است. [۱۰] .تبرک جستن به لباس پیامبر صلی الله علیه و آله:عبدالله خادم اسماء دختر ابوبکر گوید: بانوی من اسماء جبه و روپوش بلندی با نشان های سبز به من نشان داد و گفت: این جبه را رسول خدا صلی الله علیه و آله می پوشید و ما آن را می شوییم و از آن شفا می گیریم. [۱۱] .و در صحیح مسلم گوید: این جبه رسول خدا صلی الله علیه و آله است. سپس جبه ای بلند و خسروانه بیرون آورد که جادکمه ها و چاکهای آن از حریر و دیباج بود و گفت:این جبه نزد عایشه بود تا از دنیا رفت و پس از او به من رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می پوشید و ما آن را می شوییم تا بیماران به وسیله آن بهبود یابند. [۱۲] .تبرک جستن به تیر و پیکان پیامبر صلی الله علیه و آله:بخاری درباره صلح حدیبیه روایت کرده و گوید:رسول خدا صلی الله علیه و آله با سپاهیان خود در انتهای حدیبیه بر سر چاهی کم آب فرود آمدند مردم به سوی آن شتافتند و با سرعت آب آن را کشیدند و اندکی بعد از تشنگی به رسول خدا صلی الله علیه و آله شکوه کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله تیری از تیردان خود بیرون کشید و فرمود تا آن را در درون چاه قرار دهند. پس به خدا سوگند پیوسته جوشید و آنان را سیراب کرد تا از آنجا کوچ کردند. [۱۳] .تبرک جستن به جای دست پیامبر صلی الله علیه و آله:در کتاب اصابه و مسند احمد در شرح حال حنظله روایتی است که فشرده آن چنین است:حنظله گوید: جد من مرا خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله برد و

گفت: من پسرانی بزرگ و کوچک دارم که این کوچکترین آنهاست. برای او دعا بفرمایید. پیامبر صلی الله علیه و آله دستی بر سر او کشید و فرمود: خداوند سعادتت افزاید. یا: او سعادتمند است. راوی گوید:با چشم خود دیدم که بیماران صورت باد کرده یا حیوانات پستان ورم کرده از نزد حنظله می آوردند و او بر دست خود آب دهان می زد و با بسم الله آن را به سر خود می کشید و می گفت: این جای دست رسول خدا صلی الله علیه و آله است. سپس محل ورم کرده را مسح می کرد و به گفته راوی، ورم برطرف می شد. [۱۴] .و در عبارت اصابه آمده است:حنظله بسم الله می گفت و دستش را بر سر خود که جای دست رسول خدا صلی الله علیه و آله بود می نهاد و آن را مسح می کرد و سپس بر محل ورم کرده می کشید و آماس آن بر طرف می شد.باری، برکت و فرخندگی همچون نور خورشید و عطر شکوفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله به اطراف او پراکنده می شد؛ و در کودکی و بزرگی، در سفر و حضر، در شب و روز، هیچ گاه از آن حضرت جدا نگردید. چه آنگاه که در خیمه حلیمه سعدیه مادر رضای خود بود، و چه در سفر شام برای تجارت، یا در خیمه ام معبد در حال هجرت، یا در مدینه در کسوت قیادت و رهبری و حکومت. و بدیهی است که آنچه را ما در اینجا آوردیم نمونه ای از انواع است و ما هرگز درصدد آمار و احصاء نبوده ایم. زیرا، احصای همه در توان هیچ پژوهشگری نگنجد. و آنچه بیان شد برای دارندگان قلب سلیم و گوش شنوا و دل آگاه بسنده باشد.در بخش بعد موضوع شفاعت خواهی و وسیله قرار دادن پیامبر صلی الله علیه و آله به درگاه خدای متعال را بررسی کرده و سپس - به یاری خدا - به منشاء اختلاف درباره ویژگیها و امتیازات رسول خدا صلی الله علیه و آله بر سایر مردمان می پردازیم.

وسیله قرار دادن پیامبر نزد خدا و توسل به آن حضرت

معتقدان به جواز و مشروعیت توسل به رسول خدا صلی الله علیه و آله و وسیله قرار دادن آن حضرت به درگاه خداوند متعال در همه دورانها، می گویند:این گونه توسل پیش از خلقت رسول خدا صلی الله علیه و آله و در زمان حیات و بعد از وفات آن حضرت با رضای الهی انجام گرفته است و همچنان تا روز قیامت نیز، به دلایل زیر، ادامه می یابد:نخست - توسل به رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از خلقت:گروهی از راویان حدیث از جمله حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک خود از قول عمر بن خطاب روایت کنند که، آدم هنگامی که دچار آن لغزش گردید، عرض کرد:پروردگارا! از تو می خواهم که به حق محمد و آل محمد مرا ببخشی. خداوند سبحان فرمود: ای آدم! تو محمد را چگونه شناختی در حالی که من هنوز او را نیافریده ام؟عرض کرد: پروردگارا! هنگامی که مرا به دست قدرت خود آفریدی، و از روح خودت در من دمیدی، سر که برداشتم دیدم بر ستونهای عرش نوشته شده: الا الله الا الله محمد رسول خدا الله. پس دانستم که تو نام کسی جز محبوب ترین آفریده ات را کنار نام خود قرار نمی دهی.خداوند فرمود: راست گفتی ای آدم! او محبوب ترین آفریده های من است. مرا به حق او بخوان که تو را بخشیدم. و اگر محمد نبود تو را نمی آفریدم.این حدیث را طبرانی نیز در کتاب خود آورده و بر آن افزوده: و او آخرین پیامبر نسل توست. [۱۵] .و در تفسیر این آیه شریفه:و لما جاء هم کتاب من عندالله مصدق لما معهم و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا فلما جاء هم ما عرفوا کفروا به فلعنه الله علی الکافرین [۱۶] .و هنگامی که از سوی خدا کتابی به سویشان آمد که تصدیق کننده کتاب آنان است، و آنها خود پیش از این - به نام آورنده آن - بر کفار پیروزی می جستند. حال که همان شناسای ایشان به سویشان آمده به آن کافر شدند. پس لعنت خدا بر کافران باد.محدثان و مفسران در تفسیر این آیه روایت کرده اند که: یهود مدینه و خیبر پیش از بعثت هرگاه با همسایگان عرب و مشرک خود از قبیله اوس و خزرج و غیر ایشان، می جنگیدند، به نام رسول خدا صلی الله علیه و آله که در تورات یافته بودند بر آنان پیروزی می جستند و پیروز می شدند و علیه کفار دعا می کردند و می گفتند: پروردگارا! به حق نبی امی از تو می خواهیم که ما را بر آنها پیروز گردانی. یا می گفتند: پروردگارا! به نام نبی خودت ما را بر آنها پیروز گردان. [۱۷] .اما هنگامی که کتاب خداوندی، قرآن کریم و تصدیق کننده تورات و انجیل به وسیله کسی که او را به خوبی و بی تردید می شناختند، یعنی

محمد، به سویشان آمد، بدان کافر شدند، زیرا او از بنی اسرائیل نبود. [۱۸] .دوم – توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله در حال حیات:احمد بن حنبل، ترمذی، ابن ماجه و بیهقی از عثمان بن حنیف روایت کنند که:مردی نابینا خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: از خدا بخواه مرا بهبود بخشد.پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: اگر خواستی دعا می کنم، و اگر بخواهی صبر می کنی که برای تو بهتر است.عرض کرد: دعا بفرمایید.پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: وضو بگیر، وضوی نیکو و این دعا را بخوان:اللهم انی اسالک و اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمه. یا محمد انی توجهت بک الی ربی فی جاجتی لتقضی لی. اللهم شفعه فی.پروردگارا! من به وسیله پیامبرت محمد پیامبر رحمت، به سوی تو می آیم و از تو درخواست می کنم. ای محمد! من برای درخواست جاجتم از خداوند نزد تو آمدم و تو را وسیله قرار دادم تا خواسته ام برآورده گردد. خداوندا! او را شفیع و وسیله من قرار ده. [۱۹] .این روایت را بیهقی و ترمذی صحیح السند دانسته اند.سوم – توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات:طبرانی در معجم الکبیر از عثمان بن حنیف روایت کند که:مردی برای نیاز خویش نزد عثمان بن عفان آمد و شد می کرد ولی عثمان به او و خواسته او توجهی نشان نمی داد. آن مرد ابن حنیف را دید و از وضع موجود شکوه کرد.عثمان بن حنیف به او گفت: به وضو خانه برو وضو بگیر. سپس به مسجد در آی و دو رکعت نماز بگزار و بگو:اللهم انی اسالک و اتوجه الیک بنبینا محمد نبی الرحمه. یا محمد انی اتوجه بک الی ربی لتقضی جاجتی. و تذکر حاجتک.پروردگارا! من به وسیله پیامبرمان محمد پیامبر رحمت، به سوی تو می آیم و از تو درخواست می کنم. ای محمد! من برای رفتن به سوی خدا نزد تو آمدم و تو را وسیله قرار دادم تا حاجتم برآورده گردد. سپس خواسته ات را یادآور می شوی.آن مرد رفت و آنچه به او گفته بود انجام داد. سپس به در خانه عثمان بن عفان آمد که ناگهان دربان خانه نزد او آمد و دستش را گرفت و وارد مجلس عثمان کرد. او نیز وی را روی زیرانداز کنار خود نشانید و گفت: خواسته ات چیست؟ او خواسته اش را بیان کرد و وی آن را برآورده ساخت.سپس به او گفت: تو تا این ساعت نیازت را یادآور نشده بودی. و گفت: هر نیاز و حاجت دیگری که داری بیان کن. [۲۰] .

توسل به قبر پیامبر

در سنن دارمی و وفاء الوفاء سمهودی از اوس بن عبدالله روایت کنند که گفت:مردم مدینه دچار قحطی شدید شدند و به عایشه شکوه کردند. عایشه گفت: به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بروید و دریچه ای از آن به سوی آسمان باز کنید تا میان قبر و آسمان سقفی نباشد.راوی گوید: چنین کردند. پس از آن، چنان بارانی بر ما بارید که گیاهان روییدند و شتران فربه شدند. [۲۱] .

توسل به عباس عموی پیامبر

در صحیح بخاری است که:عمر بن خطاب هر گاه قحطی می شد عباس بن عبدالمطلب را شفیع و وسیله قرار می داد و می گفت:اللهم انا کنا نتوسل الیک بنبینا فتسقینا، و انا نتوسل الیک بعم نبینا فاسقنا قال فیسقون.پروردگارا! ما در گذشته با توسل به پیامبرمان به سوی تو می آمدیم و تو بارانمان می دادی و سیرابمان می کردی. و اکنون با توسل به عموی پیامبرمان به سوی تو می آییم. پس، بارانمان ده و سیرابمان کن.راوی گوید: پس از آن باران می بارید و سیراب می شدند. [۲۲] .

توسل به لباس پیامبر برای کاستن از فشار قبر

در کنز العمال، استیعاب، اسدالغابه و اصابه در شرح حال فاطمه بنت اسد از ابن عباس روایت کنند که گفت: هنگامی که فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤ منین علیه السلام، علی بن ابی طالب – علیه السلام – وفات کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله پیراهن خود را بر او پوشانید و در قبر وی در کنار او خوابید.حاضران با تعجب گفتند: آنچه را که با این جنازه انجام دادی، تا به حال از شما ندیده

بودیم! فرمود: این برای آن است که هیچ کس - بعد از ابی طالب - نسبت به من نیکوکارتر از او نبوده است. من پیراهن خود را بر او پوشاندم تا او از جامه های بهشتی بپوشد، و در قبر با او خوابیدم تا از فشار قبر در امان باشد. [۲۳] .و در طبقات ابن سعد از سهل بن سعد روایت کند که گفت: زنی با عبایی بافته شده حاشیه دار خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: یا رسول خدا صلی الله علیه و آله! من این عبا را با دست خود بافته و آن را آورده ام که بر شما بپوشانم. راوی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله که بدان نیاز داشت، آن را پذیرفت و پوشش خود قرار داد و روزی که با آن در جمع ما آمده بود، فلان بن فلان آن را برانداز کرد و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! این عبا چقدر نیکوست! آن را بر من بپوشان! فرمود: باشد. پس، تا آنجا که خدا خواست در آن مجلس نشست و سپس مراجعت فرمود و چون به منزل رسید، آن را پیچید و نزد او فرستاد. مردم به او گفتند: کار خوبی نکردی، رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به آن نیاز داشت آن پذیرفت و تو که می دانستی پیامبر هیچ سائلی را رد نمی کند آن را از او درخواست کردی! آن مرد گفت: به خدا سوگند، آن را برای پوشیدن بر خود نخواستم، بلکه او را از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست کردم تا کفن روز مرگم باشد. سهل گوید: آن عبا روز مرگ کفن او بود. [۲۴] .و الحمد لله رب العالمین

پاورقی

[۱] صحیح بخاری کتاب المغازی باب غزوه خیبر جلد ۳ ص ۳۵، و کتاب الجهاد و السیر جلد ۲ ص ۱۰۹، باب ۱۰۲، و باب ما قیل فی لواء النبی جلد ۲ ص ۱۱۱، و باب فضل من اسلم علی یدیه رجل جلد ۲ ص ۱۱۵، و کتاب فضائل اصحاب الصحابه باب من فضائل علی بن ابی طالب (رض) حدیث ۳۲ و ۳۴، و باب غزوه ذی قرد و غیرها حدیث ۱۳۲، و سنن ترمذی کتاب المناقب باب مناقب علی بن ابی طالب جلد ۱۳ ص ۱۷۲.

[۲] صحیح بخاری، باب دعاء النبی الی الاسلام جلد ۲ ص ۱۰۷.

[۳] صحیح مسلم، کتاب الجهاد و السیر حدیث ۱۳۲.

[۴] صحیح بخاری کتاب الوضوء باب التماس الوضوء اذ کانت الصلاه جلد ۱ ص ۳۱.

[۵] صحیح بخاری کتاب الاشربه باب شرب البرکه و الماء المبارک جلد ۳ ص ۲۱۹، سنن نسائی کتاب الطهاره باب الوضوء من الاناء جلد ۱ ص ۲۵. مسند احمد، جلد ۱ ص ۴۰۲. سنن دارمی از قول عبدالله بن عمر باب ما اکرم الله النبی من تفجر الماء من بین اصابعه جلد ۱ ص ۱۵.

[۶] صحیح مسلم، کتاب الحج باب بیان ان السنه یوم النجران یرمی ثم ینحر ثم یحلق حدیث ۳۲۳ و ۳۲۶. سنن ابوداوود، کتاب المناسک باب - الحلق و التقصیر حدیث ۱۹۸۱. طبقات ابن سعد، جلد ۱ ص ۱۳۵، مسند احمد، جلد ۳ ص ۱۱۱، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۶، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۳۹، ۲۵۶ و ۲۸۷ جلد ۴ ص ۴۲ و مغازی واقدی، ص ۴۲۹.

[۷] صحیح مسلم، کتاب الفضائل باب قرب النبی من الناس و تبرکهم به حدیث ۷۴ ص ۱۸۱۲.

[۸] مستدرک حاکم، کتاب معرفه الصحابه باب مناقب خالد بن الولید جلد ۳ ص ۲۹۹. فشرده این روایت در منتخب کنز العمال در حاشیه مسند احمد جلد ۵ ص ۱۷۸ و تاریخ ابن کثیر، جلد ۷ ص ۱۱۳ نیز آمده است.

[۹] صحیح بخاری، کتاب اللباس باب ما یذکر فی الشیب جلد ۴ ص ۲۷ که ما فشرده آن را آوریم.]

[۱۰] طبقات ابن سعد، جلد ۶ ص ۶۲. صحیح بخاری، کتاب الوضوء باب الماء الذی یغسل به شعر الانسان جلد ۱ ص ۳۱.

[۱۱] مسند احمد، جلد ۶ ص ۳۴۸. طبقات ابن سعد، جلد ۱ ص ۲۲، باب ذکر لباس النبی. تاریخ الاسلام ذهبی السیره النبویه ص ۵۰۳. السیره النبویه و الاثار المحمدیه، چاپ دوم بیروت، دارالمعرفه، جلد ۲ ص ۲۲۵.

[۱۲] صحیح مسلم، جلد ۳ ص ۱۶۱، کتاب اللباس و الزینه باب تحریم استعمال اناء الذهب و الفضه حدیث ۲۰۶۹.

[۱۳] صحیح بخاری، کتاب الشروط باب الشرط فی الجهاد و المصالحه مع اهل الحرب جلد ۲ ص ۸۱ و کتاب المغازی باب غزوه الحدیبیه. طبقات ابن سعد، جلد ۳ ص ۲۹ و جلد ۱ قسمت اول ص ۱۱۸ و مغازی واقدی ص ۲۴۷.

[۱۴] مسند احمد، جلد ۵ ص ۶۸. مشروح آن در شرح حال حنظله بن حذیم بن حنیفه در اصابه آمده است.

[۱۵] مستدرک حاکم، جلد ۲ ص ۶۱۵. مجمع الزوائد، جلد ۸ ص ۲۵۳. تحقیق النصره، مراغی (ت ۸۱۶ ه) ص ۱۱۳ - ۱۱۴ به نقل از طبرانی.

[۱۶] بقره / ۸۹.

[۱۷] از این روایات چنین ظاهر می شود که آنها با امثال اینگونه دعاها خداوند جلیل را می خواندند؛ دعاهایی که دربردارنده توسل به رسول خدا خداست.

[۱۸] این روایات از حیث مضمون متواتر است و در کتابهای زیر آمده است: دلایل النبوه، بیهقی ص ۳۴۳ - ۳۴۵. تفسیر طبری در تفسیر آیه. تفسیر نیشابوری در حاشیه تفسیر طبری، ج ۱ ص ۳۳۳. مستدرک حاکم، جلد ۴ ص ۲۶۳. تفسیر سیوطی به نقل از دلائل النبوه ابونعیم، تفسیر محمد بن عبد حمید، تفسیر عبدالرحمان بن ابی حاتم بن ادریس رازی و تفسیر محمد بن ابراهیم بن المنذر نیشابوری (ت ۳۱۸ ه).

[۱۹] مسند احمد، جلد ۴ ص ۱۳۸. سنن ترمذی کتاب الدعوات جلد ۱۳ ص ۸۰ - ۸۱. سنن ابن ماجه کتاب اقامه الصلاه و السنه فیها باب ما جاء فی صلاه الحاجه حدیث ۱۳۵۸، ص ۴۴۱، ابن اثیر با سند خود در شرح حال عثمان بن حنیف در اسد الغابه بیهقی بنابر نقل صاحب کتاب تحقیق النصره از او و تحقیق النصره ص ۱۱۴. ما عبارت احمد بن حنبل امام حنابله را از آن رو آوردیم که منکران شفاعت از پیروان ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب پیروان احمد بن حنبل اند.

[۲۰] تحقیق النصره، ص ۱۴ و ۱۱۵ به نقل از معجم کبیر طبرانی.

[۲۱] سنن دارمی، جلد ۱ ص ۴۳ - ۴۴. وفاء الوفاء، جلد ۲ ص ۵۴۹.

[۲۲] صحیح بخاری، کتاب الاستقساء باب سوال الناس الامام الاستقساء اذا قحطوا و کتاب اصحاب النبی باب مناقب عباس بن عبدالمطلب جلد ۲ ص ۲۰۰ و جلد ۱ ص ۱۲۴. سنن بیهقی کتاب صلاه الاستقساء باب الاستقساء بمن ترجی برکه دعائه جلد ۳ ص ۳۵۲.

[۲۳] کنز العمال، جلد ۱۲ ص ۱۴۷ حدیث ۳۴۴۲۴. اصابه، جلد ۸ ص ۱۶۰، اسدالغابه، جلد ۵ ص ۵۱۷. استیعاب در حاشیه اصابه جلد ۴ ص ۳۲۸، چاپ مصر ۱۳۲۸ ه. صفوه الصفوه، جلد ۲ ص ۵۴ در شرح حال فاطمه بنت اسد. ذخائر العقبی، ص ۵۵ و ۵۶. فصول المهمه ابن صباغ مالکی، ص ۳۱ و ۳۲. وفاء الوفاء، جلد ۳ ص ۸۹۷ و ۸۹۸. و ینابیع الموده.

[۲۴] طبقات ابن سعد، جلد ۱ ص ۲۲۲، باب ذکر لباس الرسول.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

